

مدیریت‌های خود محور، مدیریت‌های خود مختار

وجود تناقض، یا خلاء و یا ابهام در قوانین افزایش پیدا می‌کند»

«از محورهای اساسی پیش روی مجلس شورای اسلامی برقراری رابطه بین برنامه و بودجه از طریق بازنگری قانون برنامه و بودجه و اصلاح آن در جهت ملزم کردن عوامل فعال در برنامه ریزی و بودجه ریزی به ایجاد هماهنگی‌های لازم بین برنامه و بودجه، در کلیه سطوح اعم از سطوح کارشناسی در دستگاههای اجرایی، سازمان برنامه و بودجه، هیأت دولت، کمیسیونهای خاص مجلس شورای اسلامی و خود مجلس شورای اسلامی است.»

وقتی بین وزارتخانه‌ها، سازمانها و نهادهای مرکزی اصل بر رقابت و کارشناسی گذاشته شده باشد، این روحیه تا پائین ترین سطوح اجرایی و قضائی ادامه می‌یابد. استناداران، فرمانداران، مدیران کل ادارات شهرستانها «رونوشت برابر اصل» می‌شوند و مجموعه‌ای که باید به عنوان یک نیروی محرکه همسو، عامل پیشرفت جامعه باشد، خود مانع حرکت هماهنگ و شتاب پاینده می‌شود.

در کشورهایی با نظام‌های حکومتی چند حزبی، که احزاب هر کدام بقدر توانایی خویش در قوای مقننه-اجرائیه و قضائیه تأثیرگذاری دارند، و می‌توانند حرکت دولت را کند یا تند کنند، این همه چندگانگی در رفتار، حرکت‌های موازی و اقدامات متضاد و کارشناسانه مشاهده نمی‌شود.

در اکثر همین کشورها، حداقل قوه قضائیه از کشمکش اصحاب قدرت مصون می‌ماند و حریم حرمت آن را همه یکسان پاس می‌دارند، زیرا می‌دانند وجود یک دادگستری مستقل و نیرومند به نود همه است. رهبران احزاب آن کشورها این اصل بدیهی را فراموش نمی‌کنند که اکثریت امروز، اقلیت فردا است و از همین رو در رقابت و کارشناسی از مرزهای معینی تجاوز نمی‌کنند.

اصل مهم دیگری که در همین کشورهای چند حزبی و بعضاً آشوب زده مراعات می‌شود، آن منافع و مصالح عالی‌ای است که تمامیت ارضی و حفظ ثبات و یکپارچگی ملی به آنها وابسته است.

فعالان صحنه‌های مبارزات سیاسی-اقتصادی هرگز این اصول را دستمایه مبارزه با رقبا و تضمین موفقیت خود، و دار و دسته خویش قرار نمی‌دهند.

هرگاه در این کشورها تقدس این اصول نادیده گرفته شده شاهد بروز بحران‌های شدید اجتماعی در آنها شده‌ایم، و دیده‌ایم مخالفان خارجیشان از این آب

• و...
روزگاری از وجود دستگاههای موازی، و رفتارهای موازی تعدادی از مدیریت‌های دولتی می‌نالیدیم و در جستجوی چاره‌ای بودیم که به دوباره کاریها و دوباره هزینه کردن خاتمه دهیم، اما اینک با عارضه خطرناک حرکت‌های متضاد و مخالف دستگاههای دولتی مواجه هستیم.

در تعدادی از دستگاههای دولتی، و نیز در سازمانهای وابسته به قوه قضائیه روند امور چنان است که گویی حاکمیتی مستقل از مدیریت کشور بر آنها فرمان می‌راند. در تعدادی دیگر برنامه ریزی و اجرا چنان جریان دارد که این پندار را بوجود می‌آورد که برنامه ریزان و مجریان مأموریتی ندارند الا خشتی کردن برنامه ریزیها و اقدامات سازمانهای دیگر.

می‌توان گفت اکنون کار تعدادی از سازمانها و نهادهای مارشال است و کار تعدادی دیگر پنه کردن. می‌توان همه هفته دید، شنید و یا خواند که مدیری گناه عدم توفیق برنامه‌های سازمان تحت امر خویش را متوجه کارشناسی، عدم انطباق- و یا دست کم، عدم هماهنگی- فلان سازمان، یا سازمانها می‌اندازد.

وزیر صنایع شکره می‌کند بانکها به صنایع اعتبار و نقدینگی نمی‌دهند.

وزیر کشاورزی کمبود سبزمینی را ناشی از سیاست وزارت خانه دیگری می‌داند که اجازه صدور بی‌رویه سبزمینی را داده است.

سازمان برنامه و بودجه، ناسامانی‌های اقتصادی را تقصیر بانک مرکزی می‌داند که ارز بی حساب و کتاب داده و زیاده بر میزان مقرر اسکناس چاپ کرده است. بانک مرکزی شیوه برنامه ریزی و تخصیص اعتبار از سوی سازمان برنامه و بودجه را عامل اصلی تورم و از هم گسیختگی اوضاع اقتصادی قلمداد می‌کند.

و رئیس مجلس بز ضعف‌های دستگاههای برنامه ریز و مجری انگشت می‌گذارد:

«دستگاههای اجرایی از فرصت تصویب بودجه برای تصویب قوانینی استفاده می‌کنند که از طریق عادی مراحل مختلف و طولانی دارد. بدین ترتیب عملاً تعداد تبصره‌های بودجه‌ای افزایش یافته و



● رئیس قوه قضائیه: نیروی انتظامی تحت نظارت وزارت کشور است و در مواقع خاص در اختیار دستگاه قضائی قرار می‌گیرد که این امر به معنای دوگانگی است.

● قائم مقام سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران (وابسته به شهرداری): صدور آرم طرح ترافیک در صلاحیت سازمان حمل و نقل و ترافیک است.

● فرمانده ناحیه انتظامی تهران بزرگ: فقط آرم‌های طرح ترافیکی که از سوی نیروی انتظامی صادر شود اعتبار دارد.

● یک کارمند مجتمع قضائی صادقیه (غرب تهران): گاهی گزارش تنظیمی پاسگاههای نیروی انتظامی چنان مفصل است که قاضی رغبتی به مطالعه آن ندارد، لذا حکم بازداشت موقت صادر می‌کند. برایش [برای مهم] پرونده تشکیل می‌شود و او برای رهائی از بازداشت ناچار باید سندی گرو بگذارد تا بعد به صحت قضیه رسیدگی شود...

● وزیر مسکن و شهرسازی: برج سازی و تراکم فروشی یک عامل اصلی گرانی مسکن در شهر تهران طی سالهای اخیر بوده است.

● روزنامه همشهری (ارگان شهرداری تهران): از سال ۱۳۶۹ که مدیریت کنونی شهرداری تهران ارائه خدمات به شهر تهران را به گونه کنونی آغاز کرد، باز هم سرعت افزایش قیمت مسکن کمتر از سرعت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بوده است.

● مدیر کل توسعه صادرات وزارت صنایع: بانکها معمولاً مصوبه شورای پول و اعتبار را در مورد پرداخت اعتبار به صادرکنندگان اجرا نمی‌کنند. با وجود آنکه مقرر شده ۵۰ درصد ارز حاصل از صادرات به صادرکنندگان پرداخت شود ولی این امر تاکنون تحقق نیافته است.

گل آلود چه ماهی‌ها که نگرفته‌اند؟!

در شرایط کنونی کشور ما، که مدیریت متمرکزی امور را راهبری می‌کند، حیرت‌انگیز نیست که شاهد این همه سازمانهای موازی و رفتارهای متضاد، رقابت‌آمیز و حتی کارشکنانه باشیم؟

مدیریت واحد، برنامه‌ریزی واحد و سیاست اجرایی یکسانی را هم طلب می‌کند.

گفته‌اند و می‌گویند مجلس و دولت به یک افق چشم دوخته‌اند. گفته‌اند و می‌گویند مجموعه قوای مقننه، مجریه و قضائیه در یک راستا حرکت می‌کنند.

گفته‌اند و می‌گویند حفظ دستاوردهای انقلاب عامل پیوند، و نقطه اتصال دارندگان بینش‌ها، عقاید و منافع متفاوت در بدنه‌های حاکمیت است.

اگر به واقع چنین است، چرا رئیس قوه قضائیه از عدم همکاری نیروی انتظامی (بخشی از قوای مجریه) شکوه می‌کند، و رئیس قوه مقننه از سوء رفتار بدنه‌ای دیگر از قوه مجریه زبان به انتقاد می‌گشاید؟

می‌توان این دفاعیه را پیشاپیش پذیرفت که این قبیل ناهمگونی‌ها و تضادها نشانه شکاف در مدیریت‌های عالی نیست، بلکه تظاهراتی است از اختلاف سلاقی، و برخی سوء مدیریت‌ها در رده‌های پایین‌تر.

با پذیرش بی‌چون و چرای این نظریه، باز هم پرسش‌هایی بنیادین مطرح است:

- ادامه این روند تا چه حد حرکت‌های سازندگی را کند می‌کند؟

- از آب گل‌آلود اختلافات مدیران و سازمانهای مختلف چه کسانی ماهی می‌گیرند؟

- ادامه رفتار رقابتی-و گاه خصومت‌آمیز- در بین مدیریت‌ها چه عواقبی بر گردش امور خواهد گذاشت؟

- و... و نهایتاً سود این عدم انسجام در مدیریت‌ها نصیب چه کسانی خواهد شد؟

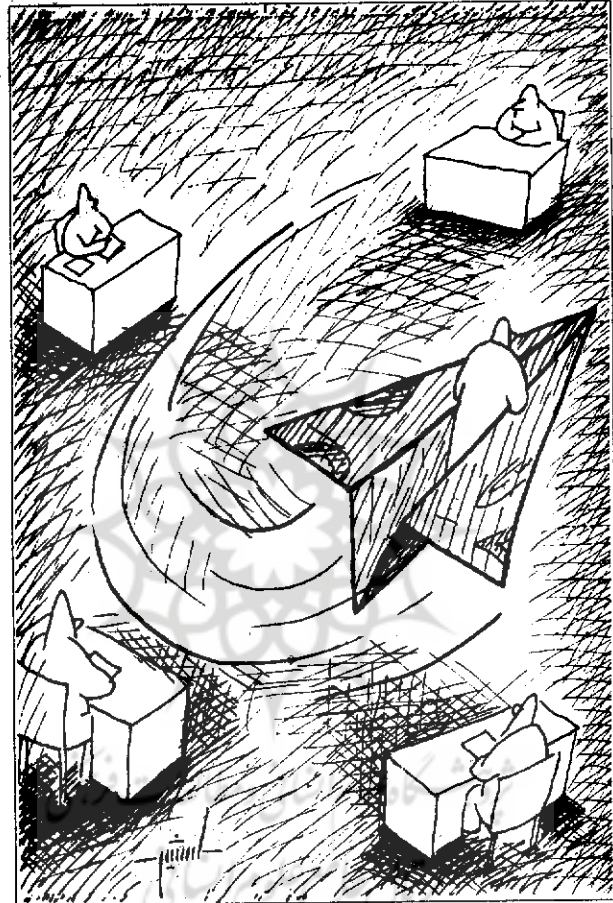
یک جلوه از نتیجه این رفتارها را در نوشته نصیحت‌گونه‌ای که در روزنامه همشهری (۷۵/۴/۶) چاپ شد می‌توان مشاهده کرد:

روز دوشنبه [۴ تیر] در یکی از خیابانهای منتهب از خیابان میرداماد نوجوانی حدود پانزده ساله هنگام رانندگی با یک اتومبیل آخرین مدل، به پنج اتومبیل دیگر کوبید و با خونسردی با تلفن همراه، پدرش را خبر کرد و پدر نیز دقایقی بعد خود را به محل حادثه رساند. پدر نخست به شخصی که خودروی او بیشتر آسیب دیده بود پیشنهاد فروش اتومبیلش را داد و پس از موافقت صاحب خودروی آسیب دیده، چکی به مبلغ ۲۵ میلیون تومان در وجه

او کشید و به صاحبان چهار اتومبیل صدمه دیده دیگر نیز مجموعاً ۵ میلیون تومان پرداخت...

«همشهری» از قانون‌شکنی و نادیده گرفتن حقوق عمومی اظهار شگفتی می‌کند، بی‌آنکه ریشه‌های این رفتارها را مورد ارزیابی قرار دهد.

اتفاقاً این حادثه همان روزهایی اتفاق افتاد که رئیس قوه قضائیه از عدم همکاری نیروی انتظامی ابراز گلایه می‌کرد، و بین نیروی انتظامی و شهرداری بر سر صدور مجوز طرح ترافیک جنگ مغلوبه شده بود! وقتی دادگستری و ضابطین آن به همراه شهرداری



جان، یا حاج آقا جان این جوانان نیز دسته چک‌ها را از جیب‌ها برد... خواهند آورد!

همین شهرک قدس و خیابان ایران زمین یکی از مراکز نقل فعالیت نیروی انتظامی- بسیج و ناهیان از منکر و آمرین به معروف است. بسیاری از اهالی این منطقه از رفتارهای ناهنجار و قانون شکنی‌های مسعودی پولدار و «بچه پولدار» عاصی هستند و مأموران رسمی و غیررسمی هم هر چند صباح یک بار در آنجا خودی نشان می‌دهند و بگیر و ببندی می‌کنند، بی‌آنکه نتیجه‌ای عاید هیچ‌کس شود.

و در اینجا هم باید ریشه را در رفتارهای موازی- متضاد و گاه خصم‌آمیز دستگاه‌های متولی جستجو کرد: نیروی انتظامی به نوعی عمل می‌کند، بسیج به نوعی دیگر و آمرین به معروف و ناهیان از منکر به شیوه‌های متفاوت با روشهای آن دو گروه.

کشور ما دیر زمانی است از یک دیوانسالاری غول‌آسا و پیچیده رنج کشیده است. در سالهای اخیر وجود دستگاه‌های موازی بر این دیوانسالاری مزید شد و اکنون رفتارهای متناقض، متضاد، باز دارنده و گاه فلج‌کننده بر علت‌های قبلی افزوده شده است. انسجام در تصمیم‌گیری و اجرا از شروط اصلی و اولیه یک مدیریت موفقیت‌آمیز است. مدیریت‌های خودمختار، خود محور و فاقد حسن نیت نه فقط بنیان یک بنگاه (خواه اقتصادی، خواه اجتماعی) را متزلزل می‌کنند، بلکه موجودیت یک جامعه را به خطر می‌اندازند.

بسیاری کسان مایلند این قبیل مباحث در رسانه‌ها مطرح نشود، و این گونه هشدارها بر زبان و قلم کسی جاری نشود. تمایل این افراد نیز از منافع و مطامع شخصی ایشان ناشی می‌شود، و نه از دلسوزیشان بخاطر کشور و مردم آن.

آنان ترجیح می‌دهند ناهنجاریها در زیر پوششی چشم نواز و آرام‌بخش پنهان بماند تا خود با مانع و معارضی برخورد نکنند.

در نقطه مقابل، کسانی هم هستند که اینگونه برده‌پوشی‌ها را خیانت به ارزشهای ملی می‌دانند.

اگر بخواهیم در گروه خیانت‌پیشگان فطری جایمان ندهند باید بی‌هیچ پروا کردنی بگوئیم رشد و استمرار ملوک‌الطوایفی در سازمانها و مدیریت‌ها سرانجام ما را به پرداخت تاوانی بسیار سنگین و کمرشکن مجبور خواهد کرد.

بر روسای قوای مقننه، مجریه و قضائیه است که هماهنگ با یکدیگر، با قاطعیت، و به فوریت دلایل فسادان انسجام در سیستم‌های مدیریتی کشور را شناسایی کنند و برای سامان دادن به اوضاع اداری- اجرایی و قضائی کشور تمهیدی کارساز ببندند.

سرگرم جدالهای خویش باشند عجیب نیست که همه ارزشهای دینی، قانونی و اخلاقی با چند برگ چک خرید و فروش شود.

این پرسش که وجه این چکها، و آن دو تلفن همراه (همراه پدر و همراه پسر) و آن اتومبیل گران قیمت و ثروت بی‌حسابی که اجازه چنین دست و دل‌بازیانی را می‌دهد، از کدام راه مشروع و حلالی به دست آمده می‌توانست مکمل پرسش حیرت‌آمیز نویسنده «همشهری» باشد!

باز در همان ایام در شهرک قدس (غرب) چند جوان در جریان یک مسابقه اتومبیلرانی در خیابانی عمومی، زانده بی‌نوا یک تاکسی را زیر گرفتند و کشند و چند اتومبیل راه و لورده کردند! لابد پاپا